**بسم الله الرحمن الرحیم**

**مسجد پرچم دار نشر قرآن و معارف اهل بیت  
  
ایجاد انگیزه:**

حضرت امیر(ع) در بیانی نورانی فرمودند: «هر کس به مسجد رفت و آمد کند، یکی از آثار و فواید هشت گانه نصی او

خواهد شد :

1-با برادر و دوستی جهت رسیدن به امور خدایی سودمند و مفید است آشنا می شود.

2-دانش و علمی تازه و نو می آموزد.

3- دلیل محکمی برای تقویت و اعتقاد به مسائل دینی به دست می‌آورد.

4- رحمتی که مورد انتظار بود، شامل او می شود.

5-سخنی که او را از هلاکت نجات می دهد فرا می گیرد.

6- سخنی می شنود که او را به سوی هدایت دعوت می‌کند.

7- از ترس خدا گناهی را ترک می کند.

8- بواسطه حیا گناهی را انجام نمی دهد»[[1]](#footnote-2)

نکته مهم و قابل توجه اینکه ما چگونه می‌توانیم مسجد را مرکز نشر معارف معرفی کنیم؟

**اقناع اندیشه:**بیان اینکه جایگاه و ارزش مسجد و خانه خداست. اگر این اتفاق به خوبی افتاد، قطعا مخاطبان ما در مسجد هم افزایش پیدا می کند و الا تمام کلاسهای معارفی و قرآنی ما در مسجد بدون مشتری می ماند. پس باید اهمیت و کارکرد مسجد را به خوبی بیان کنیم. بعضی بر این باورند امروزه تفریحات و مشغله های جدید مانع افزایش مخاطبان مسجد شده، ولی حقیقت این است، با توجه به تغییر ذائقه مردم ما هم برنامه جدید و ایده اموزشی جدیدی را به کار نگرفتیم و نمی خواهیم با پیشرفت، روش های نوین را در انتقال مفاهیم دینی به کار بگیریم.  
این دغدغه ای است که مقام معظم رهبری در سال 1370 مطرح کردند و گفتند: «ما باید برای مساجد برنامه‌ریزی کنیم. غیر از خود علما و روحانیون و ائمه‌ی جماعات، چه کسی باید برنامه‌ریزی کند؟ من نمی‌گویم حتماً بیاییم در مساجد از وسایل و دستگاههای تبلیغاتیِ جدید مثل فیلم و این‌طور چیزها استفاده کنیم -حالا اگر در موردی امام جماعتی مصلحت دانست، بحث دیگری است- اما من عرض می‌کنم که همان شیوه‌ی گذشته را هم می‌توان با محتوای بهتر ادامه داد؛ این کار را باید بکنیم.»[[2]](#footnote-3)

چرا مسجد بهترین مکان دریافت معارف الهی است؟

فضیلت مسجد به حدی است که اگر این فضایل به خوبی بیان شود، قطعا علاقه به حضور در مسجد افزایش پیدا می کند و ما شاهد مخاطبانی هستیم که تشنه دریافت معارف قران و اهل بیت هستند.

**متن و محتوا:**

**ثواب نشستن در مسجد**

بنای اسلام بر این است که برای عادی ترین کارهای بندگان خدا، پاداشی در نظر بگیرد تا هم ارزش کار را به ما بفماند و هم ترغیب بیشتری در انسان ایجاد کند. پیامبر اسلام (ص) در توصیه ای به جناب ابوذر فرمودند: «اى ابوذر ! تا زمانى كه در مسجد نشسته‏اى خداوند متعال به تعداد هر نفسى كه مى‏كشى ، يك درجه در بهشت به تو مى‏دهد و فرشتگان بر تو درود مى‏فرستند و براى هر نفسى كه در مسجد مى‏كشى ده حسنه برايت نوشته مى‏شود و ده گناه از تو پاك مى‏گرد.»[[3]](#footnote-4)

**ثواب قدم برداشتن به مسجد**

روایاتی فراوان برای قدم برداشتن به سمت مسجد و ریاندن خود به خانه خدا داریم. رسول خدا (ص) فرمودند:  
«آيا شما را به آنچه كه خدا با آن، خطاها را پاك مى‏كند و گناهان را مى‏زدايد، راه نمایی نکنم؟ گفتيم : چرا، اى پيامبر خداپس فرمود: كامل به جا آوردن وضو در موقعيت‏هاى سخت و بسيار گام برداشتن به سوى مساجد و بعد از نماز، انتظار كشيدن براى نماز [ديگر].»[[4]](#footnote-5)

حال که عظمت مسجد و رفتن و گذراندن وقت در مسجد مشخص شد باید بگوییم که مسجد چه راهکاری برای نشر معارف قرآن و اهل بیت می تواند داشته باشد.

**نمونه های از معارف قرآنی**

**1- چرایی انس با قرآن و برکاتش**

**الف: جامعیت قرآن**

علت احتیاج ما به یادگیری و آموزش قرآن و تلمذ در محضر معارف قرآنی چیست؟ چرا عده ای بر ان باورند که این دستورات کهنه و قدیمی شده و مربوط به شرایط امروز ما نیست؟ اول خود قران جواب می دهد و می فرماید: «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَنًا لِّكلُ شىَ‏ءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى‏ لِلْمُسْلِمِين‏[[5]](#footnote-6)؛ اين كتابى كه بر تو نازل كرده‏ايم توضيح همه چيز و هدايت و رحمت و بشارت مسلمانان است‏.» علامه طباطبایی در زیل این آیه فرمودند: «چون قرآن كريم كتاب هدايت براى عموم مردم است و جز اين كار و شانى ندارد لذا ظاهرا مراد از" لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ" همه آن چيزهايى است كه برگشتش به هدايت باشد از قبيل معارف حقيقى مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرايع الهى و قصص و مواعظى كه مردم در اهتداء و راه يافتنشان به آن محتاجند، و قرآن تبيان همه اينها است‏.»[[6]](#footnote-7) یعنی چیزی مورد نیاز بشر نیست که در این کتاب جای داده نشده باشد. این در حالی است که خیلی از اندیشمندان و بزرگان غرب هم به عظمت این کتاب آسمانی اعتراف کرده اند.به عنوان مثال، گوته (شاعر و نویسنده آلمانى):

«قرآن، اثرى است که به واسطه سنگینى عبارت‌هاى آن، خواننده در ابتداى امر رمیده می‌شود و سپس مفتون جاذبه آن و بالاخره بى‏اختیار مجذوب زیبایی‌هاى بی‌پایان آن می‌گردد ... سالیان دراز کشیشان از خدابی‌خبر، ما را از پی‌بردن به حقایق قرآن مقدّس و عظمت آورنده آن دور نگه داشته‌اند ... و نزدیک است که این کتاب وصف‌ناپذیر، عالم را به خود جلب و تأثیر عمیقى در علم و دانش جهان گذاشته، در نتیجه جهان‌مدار گردد».[[7]](#footnote-8) این گوشه ای از عظمت و جامعیت قران است که ما برای بهره مندی بیشتر و شناخت از کتابی که می خواهیم به آن متمسک شویم.

**ب: قرآن مایه شفا و هدایت**

یکی از بهترین کارهای مسجد که جزو توقعات مردم و خانواده ها از مسجد است بحث کلاس های آموزشی قران برای رده ای مختلف سنی است. اصلا صرف انس با قران، می شود تاثیری بر دل ها گذاشت؟  
مقام معظم رهبری فرمودند: «آن وقتی که در دنیا خبری از علم و سواد و درس و مشق و نشانه‌های تعلیم و تعلم وجود نداشت، اسلام و قرآن ما با «اقرأ»[[8]](#footnote-9)شروع کرد و به قلم و نوشته سوگند خورد و اسیر جنگی را در مقابل یاد دادن چند کلمه آزاد کرد. این، متعلق به چهارده قرن پیش است.»[[9]](#footnote-10) قطعا در دل این تعلیم قرآنی برکاتی نهفته است که باید به دنبال آن باشیم. پیامبر اسلام (ص) در اهمیت تعلیم قرآن می‌فرمایند:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدُبَةٌ اللَّهِ تَعَالَى فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَأْدُبَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّهُ النُّورُ الْمُبِينُ، وَ الشِّفَاءُ النَّافِعُ [فَ] تَعَلَّمُوهُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُشَرِّفُكُمْ بِتَعَلُّمِه[[10]](#footnote-11)‏؛ همانا این قرآن ادبستان خداوند است، پس تا آنجا که می‌توانید از این ادبستان بیاموزید. پس همانا آن نور آشکار و شفاء دهند مفید است، پس آن را بیاموزید پس همانا خداوند متعال به تعلیم قرآن به شما شرف می‌دهد.» قرآن هم خودش را مایه شفای دلها معرفی کرده و فرموده است: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ وَ لا يَزيدُ الظَّالِمينَ إِلاَّ خَسارا[[11]](#footnote-12)؛ و ما آنچه از قرآن فرستيم شفاى دل و رحمت الهى بر اهل ايمان است، ليكن كافران را به جز زيان چيزى نخواهد افزود.»

یکی از هدایت یافتگان به وسطه قرآن فضیل بن عیاض است که در احوالش می گویند: «شبی وی به نیت یک زن زیبا که عاشقش شده بود، از دیوار خانه‌ای بالا رفته بود، صدای کسی را شنید که مشغول خواندن این آیه از قرآن بود: «أَ لَمْ یأْنِ لِلَّذِینَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللّهِ [[12]](#footnote-13)؛آيا براى كسانى كه ايمان آورده‌اند هنگام آن نرسيده كه دلهايشان به ياد خدا نرم [و فروتن‏] گردد.» فضیل با شنیدن این کلام دگرگون شد و فریاد برآورد: پروردگارا، اکنون زمانش رسیده است. وی در پی این حادثه به گوشه‌ای رفت و زهد اختیار کرد.[[13]](#footnote-14) و به قدری زهد او زبان زد شد که عطار در تذکره الاولیاء از او نام برده است.

**ج: برکات تلاوت و انس با قرآن**

اگر مسجد بتواند نمازگزاران و خصوصا جوانان را با قراءت قرآن مانوس کند، برکات عجیبی شامل حال آنان خواهد کرد. یعنی قرآئت قران محدود به مسجد نشود و این انس با قرآن در وعده های نماز و دفعات مختلف اتفاق بیافتد. پیامبر اکرم (ص) در فضیلت قرائت قرآن در منزل فرموده‌اند:  
«خانه‌های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید و آنها را گورستان نکنید. چنانچه یهود و نصاری کردند، در کلیساها و عبادتگاه‌های خود نماز کنند، ولی خانه‌های خویش را معطل گذارند زیرا که هر گاه در خانه تلاوت قرآن بسیار شد، خیر و برکتش زیاد شود و اهل آن به وسعت رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.»[[14]](#footnote-15)

چه بهتر است که انسان طبق سیره اهل بیت قرآن را تلاوت کند و شیوه ایشان را الگوی خود قرار بدهد. به عنوان مثال در سیره زندگی امام رضا (ع) داریم که: «علاقه ی ایشان به قرآن در حدی بود که حتی شب هم انس با قران را ترک نمی کردند و نقل می کنند ایشان به هنگام خواب در رختخواب خویش فراوان قرآن می خواند و هرگاه به آیه ای می رسید که در آن یادی از بهشت یا جهنّم آمده بود، گریه می کرد و از خداوند بهشت را درخواست می نموده و از آتش جهنم به او پناه می برد.»[[15]](#footnote-16)

اگر این انس با قرآن برای جوانان مسجدی اتفاق بیافتد، دیگر جوان مومن حاضر نمی شود از قران دست بکشد و خود سرگرم مشغله های امروزی کند و مانند شهدا همدم و رفیقش قرآن می شود. در احوالات شهدای ما هم این انس با قران وجود داشت و در وصف شهید علم الهدی می گویند، وقت با برخورد مستقیم آر پی جی در منطقه ی هویزه شهید شد، و بعد از شهادت به دستور بعثی ها، با تانک بدن شهدا را متلاشی کردند. تنها چیزی که کمک به شناسایی این شهید کرد، قرآن جیبی اش بود که همیشه در جیبش نگه می داشت.[[16]](#footnote-17)

**ب: عواقب دوری از معارف قرآن**

شیوه تبلیغی ما در مسجد باید مانند رسول خدا (ص) همراه با انذار هم باشد و به عواقب دوری از معارف قرآن تذکراتی بدهیم. در باب قرائت قران و ثواب آن روایات زیادی داریم که انسان به این مسئله متذکر می شود: «مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ‏ يُكْتَبْ‏ مِنَ الْغَافِلِين‏[[17]](#footnote-18)؛کسی که هر شب ده آیه از قرآن بخواند، نامش جزو غافلان نوشته نمی شود.» یعنی کسانی که به هر دلیل از قرائت قرآن دور باشند گرفتار غفلت می شوند.حال عاقبت غافلان چیست؟ و به چه بلایی دچار می شوند؟

خداوند متعال در قرآن با لحن تندی غافلان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لاَّ يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لاَّ يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لاَّ يَسْمَعُونَ بِهَا أُوْلَـئِكَ كَالأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَـئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ [[18]](#footnote-19)؛ برای جهنم بسياری از جن و انس را بيافريديم ايشان را دلهايی است، که بدان نمی فهمند و چشمهايی است که بدان نمی بينند و گوشهايی است که بدان نمی شنوند اينان همانند چارپايانند حتی گمراه تر از آنهايند اينان خود غافلانند.»

این حساسیت در حدی است که خداوند خطاب به نور چشم و حبیب خودش حضرت محمد (ص)، در حدیث معراج فرموده است: «يَا أَحْمَدُ أَنْتَ لَا تَغْفُلُ أَبَداً مَنْ‏ غَفَلَ‏ عَنِّي لَا أُبَالِي‏ بِأَيِّ وَادٍ هَلَك[[19]](#footnote-20)؛‏یا احمد، هيچ گاه غافل و بيخبر نباشى هر كس از من غافل شد باكى ندارد بهر كجا كه بخواهم او را نابود مى‏‌كنم‏.» حال برای اینکه از این غفلت خارج شویم به جز اینکه با قرآن مانوس باشیم، راهکاری دیگری هم در دستورات دینی ما وجود دارد؟

**1- تفکر و تصمیم در کار خیر**

توصیه به تفکر و اندیشه کردن در آیات قران و کلام معصومین بسیار به چشم می خورد، تا جاییکه این موضع در روایات دقیق و جزئی بیان شده است و بعد از توصیه به اصل تفکر، دستور به تفکر در کارهای خیر داده اند. زیرا اگر چه توفیق انجام آن عمل خیر برای ما فراهم نشود، ولی ما را از غفلت بیرون می‌‌کند.  
پیامبر اکرم (ص) خطاب به ابوذر فرمودند: «یا اَبَاذَر! هَمِّ بِالْحَسَنَه وَ اِنْ لَمْ تَعْمَلْهَا لِکی لا تُکتَبَ مِنَ الْغَافِلِینَ [[20]](#footnote-21)؛ ای ابوذر تصمیم به کارهای نیک بگیر، هر چند توفیق عمل به آن برای تو حاصل نشود تا در زمره غافلان نوشته نشوی».

**2- درس گرفتن از تاریخ**

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «اِنَّ مَنْ عَرَفَ الاْیامَ لَمْ یغْفَل عَنْ الاِسْتِعْدادِ [[21]](#footnote-22)؛ آن‌که وضع روزگار را بشناسد، از آمادگی (برای سفر آخرت) غافل نمی‌شود». خوب بوضوح می بینیم بیشتر غافلان کربلا، یا گرفتار پاداش و یا رسیدن به حکومت و یا تمجید دنیایی خلیفه وقت بودن و برای همین مقابل حجت خدا ایستاند و آخرت را فراموش کردند. تاریخ بارها ثابت کرده که افرادی که از تاریخ پند نگیرند گرفتار می شوند و آخرت خود را به خطر می‌اندازند.

از جمله این افراد، ابو یزید، رَبیع بن خُثَیم (یا خیثم) ثَوْرى، از یاران عبد الله بن مسعود و به زهد، شُهره بود. او را یکى از هشت زاهد مشهور اوائل اسلام به شمار آورده‌اند. درباره زهد او گفته‏‌اند: «او در منزل خود قبری كنده بود، و هرگاه در خود قساوت قلبی احساس می‌كرد، به قبر داخل می‌شد، و پس از مجسم كردن حالات بعد از مرگ، آيه "رب ارجعون لعليّ أعمل صالحاً فيما تركت" را می‌خواند و با خود می‌گفت: ای ربيع! تو را باز گردانديم، اينك عمل كن».[[22]](#footnote-23)

حال جالب است شخصی با این زهد، هنگام جنگ صِفّین، با گروهى از قاریان به محضر امام على(علیه السلام) آمد و گفت: ما با وجود شناخت فضل و برترى تو، با این حال؛ در جنگ با معاویه تردید داریم و از طرفی تو و مسلمانان، از جنگ با مشرکان، بى نیاز نیستید. پس ما را به یکى از این مرزها بگمار تا در آن‌جا بجنگیم. امام على(علیه السلام) هم او را به فرماندهى گروهى از قاریان گماشت و آنها را به اطراف قزوین و رى، فرستاد. بعد از این شک باز هم داستان عبادت بی بصیرت او تمامی ندارد و در هنگام شنيدن خبر شهادت امام حسين(علیه السلام) استرجاع (انا لله و انا اليه راجعون) گفت و از اين كه يزيد و عاملان او را به سبب قتل امام حسين(علیه السلام)، مورد طعن و ملامت قرار دهد، خودداری كرد و به اصطلاح، درباره امور دنيوی سخن نگفت.[[23]](#footnote-24)

**مسجد و نشر معارف اهل بیت**

مسجد برای نشر و ترویج معارف اهل بیت ابزار های فراوانی مثل: منبر، مناسبت های مذهبی، مسابقه های فرهنگی، کلاس هاس تابستانه، و سایت و کانال مجازی مسجد و... دارد که باید از این ابزار در جهات نشر معارف اهل بیت استفاده کامل را داشته باشد.

**الف: احیای سنت حدیث خوانی و کلام اهل بیت**

اصلا چرا باید به سمت کلام اهل بیت رفت و در جهت نشر آن کوشید؟ امام هادی (ع) در زیارت جامعه اینطور به ما آموختند تا در مقام اهل بیت بگوییم: «کلَامُكُمْ‏ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشد[[24]](#footnote-25)؛ کلام شما نور و دستور شما رشد وکمال آور است.» حضرت به چه زیبایی به ما می گویند که دنبال کلام ما باشید تا به کمال و مقامات معنوی برسید و در واقع رشد کنید. یعنی صرف نقل کلام اهل بیت در موضوعات مختلف و یا کاری که تابلوی اعلانات مسجد می کند که هر هفته یا هر روز حدیثی از اهل بیت را در معرض دید عموم قرار می دهد، همین امور می تواند باعث نشر معارف اهل بیت شود. سنتی هم در قدیم مرسوم بود که یک کتاب حدیثی را چند نفر با هم مباحثه و مطالعه می کدند که خیلی برکات و آثار داشت، که متاسفانه این روش هم کم رنگ شده و رو به تعطیلی است.  
یا توصیه ای زیبا از امام صادق (ع) که فرمودند: «از خدا پروا کنید و نسبت به یکدیگر نیکوکار و خوش رفتار باشید و برای خدا یکدیگر را دوست بدارید و با یکدیگر ارتباط و تماس داشته باشید و نسبت به هم مهر و محبت بورزید و به دیدار یکدیگر بروید و ملاقات داشته باشید و در امر ما با یکدیگر مذاکره کنید و آن را تذکر دهید و آن را زنده نگه دارید.»[[25]](#footnote-26) یعنی آنچه که امروز در دیدار ها و صله رحم های ما بسیار کم رنگ است یاد آوری کلام و دستورات اهل بیت به یکدیگر است. ما امروزه حتی در مساجد هم این بی میلی را نسبت به شنیدن یک روایت یا شرح حدیث می بینیم که باید این مسئله جدی بررسی شود.

**ب: بررسی و مرور و الگوبرداری از سیره اهل بیت**

ما انسان ها برای اینکه بتوانیم با الگوهای خود یعنی اهل بیت پیوند بخوریم باید بین ما و اهل بیت سنخیت لازم جهات انضمام ایجاد شود و الا پیوندی بین ما برقرار نمی شود. مثلا کسی ندیده کشاورزی سیفی جات را با مرکبات پیوند بزند و این کمی تمسخر آمیز است که دو میوه بدون هیچ ربطی بخواهند با هم پیوند بخورند. امام رضا(ع) در روایتی می‌فرمایند: «رحم الله عبداً احیا امرنا ... یتعلم علومنا و یعلمها الناس، فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا [[26]](#footnote-27)؛ رحمت خدا بر بنده‌ای که امر ما را زنده کند... دانش‌های ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد. اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند.» ما هم برای پیوند با خود و دیگران با اهل بیت باید خودمان را با علوم آنها و محاسن کلام انها آشنا کنیم، اگر این اتفاق بیافتد، تبعیت ما و مردم از اهل بیت به راحتی اتفاق می افتد.

افراد زیادی بودند که صرف آشنایی با معارف اهل بیت هدایت شدند و مسیر زندگی آنها تغییر کرد. یکی از این افراد امانوئل کورسل معروف به کمال کورسل فرانسوی بود که وقتی یک بار در کشور فرانسه، در دعای کمیل شرکت کرد به دوستش گفت می خواهم اسمم را کمیل بگزارم و بعد با اصرار دوستان به اسم کمال بسنده کرد و این تازه اول تغییر مسیر زندگی او بود و بعد به ایران امد و طلبه و شد و با شرکت در جنگ، لقب تنها شهید اروپایی ایران را به خود اختصاص داد و الان در گلزار شهدای شهر قم دفن است.[[27]](#footnote-28)

نتیجه:

مسجد به عنوان خانه خدا و محور فعالیت های مدهبی و فرهنگی، باید نقش خود را در پیوند نمازگزاران با قران و اهل بیت به خوبی ایفا کند و به گونه ای ما را با این دو ثقل عظیم (قران و اهل بیت) پیوند بدهد که از این هم نشینی و مجاورت، نورانیت معنوی دریافت کنیم. زغال های خاموش را کنار زغال های روشن می گذارند تا روشن شوند؛ چون هم نشینی اثر دارد. ما هم مثل همان زغال های خاموشیم. پس اگر کنار کسانی بنشینیم که روشنند، نورانیّتی دارند و گرما و حرارتی دارند، ما هم به طفیل آنها روشنی می گیریم و گرما و حرارتی پیدا می کنیم[[28]](#footnote-29)  
  
**روضه:**  
از جمله کسانی که در نشر معارف اهل بیت نقش بسیاری داشته است و از موقعیت ایجاد شده برای خود به نحواحسن مورد استفاده قرار داده است امام صادق(ع) می باشند. که در تاریخ نزدیک به 4000شاگرد در علوم مختلف داشته اند.  
دلهامونو روانه کنیم بریم ببینیم مدینه چه خبره ..." ساعت های آخر عمر امام صادق هست" دوباره یکی از گلهای زهرا رو پرپر می کنن، اما الان اگه مدینه باشی، کنار بقیع خبری نیست...." هیچ کسی تو مدینه لباس عزا به تن نکرده ..." آخه این بچه های فاطمه غربت و از مادر به ارث بردن

غروب سرخ نگاهش، به رنگ ماتم بود  
غریب شهر خودش نه،غریب عالم بود

چقدر روضه ی کرببلا به پا میداشت

شعرا و روضه خوان ها رو که دعوت می کرد، انقده برا ابی عبدالله گریه می کرد، این بکاء بر سیدالشهدا رو ما از مدرسه ی امام صادق به عنوان جلسات و هیئات به ارث داریم

چقدر روضه ی کرببلا به پا می داشت

به روی سر در خانه همیشه پرچم بود

اگر چه زخم جگر تازه می شد اما باز

برای داغ دلش روضه مثل مرهم بود

فرمود گریه ی بر جد غریب ما ابی عبدالله، یه فرح و نشاطی تو دل گریه کن به ارث می زاره، که تا قیامت این شادمانی از دلش بیرون نمیره

همیشه در وسط کوچه ی بنی هاشم

پر از تلاطم اشک و مصیبت و غم بود

شبی که در تب آتش بهشت او می سوخت

خونشو مثل مادرش فاطمه آتش زدن، آتش به درون خانه سرایت کرد، از این حجره به آن حجره، چقدر اهل و عیال حضرت ترسیدن، اومد مثل مادر وسط آتش ایستاد

چقدر شبی که در تب آتش بهشت او می سوخت

شکسته قامت و آشفته حال و در هم بود

وسط آتش ایستاد فرمود:

ان ابن ابراهیم خلیل الله (این یه مصیبت ...)  
شتاب مرکب و پای برهنه ی آقا  
میان کوچه زمین خوردنش مسلم بود

اگه یه وقت جوان رشیدالقامتی باشه، دنبال مرکب بدواننش، پابه پای مرکب حرکت می کنه، اما خدا نکنه اینی که پشت مرکب دارن میدوننش یه پیرمرد باشه، مثل امام صادق یا یه بچه ی سه چهار ساله باشه،مثل بچه های ابی عبدالله ..."

شتاب مرکب و پای برهنه ی آقا

میان کوچه زمین خوردنش مسلم بود

کبود زخم طناب و اسارت و غربت

چقدر در نظرش کربلا مجسم بود

عجب مصیبت هایی، دونه دونشو یا یاد مدینه می کرد یا یاد کربلا می افتاد

خلاصه لحظه ی آخر زمان تدفینش

بساط غسل و بساط کفن فراهم بود  
در آن زمان به خدا هر دلی پریشان  
شهید بی کفن وادی محرم بود  
به زخم پیکر گل بوریا نمی پیچید  
اگر که پیرهن پاره پاره ای هم بود ....

چندین هزار نفر امروز برا دفنش تو مدینه اومدن" با چه عزت و احترامی دفنش کردن، (درستشم همینه) فرزند پیغمبر احترام داره؛ بچه ی فاطمه محترمه؛ اینجا چهارهزار نفر برا تشییع جنازه ی عزیز زهرا اومدن،کربلا هم سی هزار نفر اومده بودن،آخ بمیرم ...." عوض گل باران این بدن، چه کردن؟!! فقط یه جمله و زیارتو شروع کنم، کاری کردن که حتی خواهرش بدن برادر رو نشناخت، گفت داداش:

ته گودال فقط پیکر تو مانده و من  
همه رفتن،فقط مادر تو مانده و من

حسین....

1. «مَنِ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخاً مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ أَوْ عِلْماً مُسْتَطْرَفاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَة ًأَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدًى أَوْ يَسْمَعَ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى أَوْ يَتْرُكَ ذَنْباً خَشْيَةً أَوْ حَيَاءً.» شیخ صدوق، امالی، ص: 390. [↑](#footnote-ref-2)
2. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون،14/12/1370. [↑](#footnote-ref-3)
3. «يا أبا ذَرٍّ، إنّ اللّه‏ تعالى يُعطِيكَ مادُمتَ جالِسا في المَسجِدِ بِكُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّستَ دَرَجةً في الجَنّةِ، وتُصَلِّي علَيكَ الملائكةُ، وتُكتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّستَ فيهِ‏عَشرُ حَسَناتٍ، وتُمحى عنكَ عَشرُ سَيّئاتٍ» شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج4، ص117. [↑](#footnote-ref-4)
4. «أَ لَا أَدُلُّكُمْ‏ عَلَى‏ مَا يَمْحُو اللَّهُ‏ بِهِ‏ الْخَطَايَا وَ يَذْهَبُ‏ بِهِ‏ الذُّنُوبَ‏ فَقُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي الْمَكْرُوهَاتِ وَ كَثْرَةُ الْخُطَى إِلَى الْمَسَاجِدِ وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاة» دیلمی، ارشاد القلوب الی الثواب، ج1، ص184. صحيح مسلم: ج 1 ص 219 ح 41. [↑](#footnote-ref-5)
5. [سوره نحل، آیه89] [↑](#footnote-ref-6)
6. علامه طباطبایی، ترجمه المیزان، ج12، ص470. [↑](#footnote-ref-7)
7. جواهرى، سید محمد حسن، پرسمان علوم قرآنى، ص 30، دفتر تبلیغات اسلامى، قم، چاپ سوم، 1385ش. [↑](#footnote-ref-8)
8. «بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ اقرَأ بِاسمِ رَبِّكَ الَّذي خَلَقَ؛ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید» [سوره علق، آیه1] [↑](#footnote-ref-9)
9. بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی، 04/07/1369. [↑](#footnote-ref-10)
10. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه،ج6، ص168. [↑](#footnote-ref-11)
11. [سوره اسراء، آیه 82] [↑](#footnote-ref-12)
12. [سوره حدید، آیه16] [↑](#footnote-ref-13)
13. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۴، ص۴۷. [↑](#footnote-ref-14)
14. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ص۴۱۰-۴۱۳. [↑](#footnote-ref-15)
15. «..وَ كَانَ يُكْثِرُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّار» مجلسى، بحار الانوار‏، ج 49، ص 94. [↑](#footnote-ref-16)
16. ماهنامه فرهنگی تاریخی یاران شاهد، ص 50. [↑](#footnote-ref-17)
17. ابن بابويه، محمد بن على‏‏، الامالی، ص 59. [↑](#footnote-ref-18)
18. [سوره اعراف، آیه179.] [↑](#footnote-ref-19)
19. ديلمى، حسن بن محمد ، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج1، ص 205. [↑](#footnote-ref-20)
20. شيخ حر عاملى، وسائل الشیعه، ج1، ص 56. [↑](#footnote-ref-21)
21. ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه‏، ج4، ص 406. [↑](#footnote-ref-22)
22. جمعی از نویسندگان، دايرة المعارف تشيع،، ج‏8، ص 149 - 150. [↑](#footnote-ref-23)
23. دینورى‏، ابو حنیفه احمد بن داود، وقعة صفّین، ص 115. [↑](#footnote-ref-24)
24. ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه‏، ج2، ص 616. [↑](#footnote-ref-25)
25. کلینی، کافی، ج 2، ص 175. [↑](#footnote-ref-26)
26. ابن بابویه، معانی الاخبار، ص 180، ح 1. [↑](#footnote-ref-27)
27. رجوع شود به زندگی نامه شهید به نام (کمال کورسل: تنها شهید اروپایی دفاع مقدس) نوشته: سیدمحمدصادق حسینی مقدم، ، ناشر بین الحرمین. [↑](#footnote-ref-28)
28. رنجبر، محمّدرضا، «مثل شاخه های گیلاس»، نشر شهر، 1392، ص 12. [↑](#footnote-ref-29)